

نگاهی به سریال‌های نوروزی تلویزیون

پایتخت؛ درخشش در شرایط سخت!

سلامت، کودک و جام جم نیز برای این لحظات برنامه‌هایی روی آنتن بردند. شبکه‌های یک، دو و سه سیما با سریال‌های «ذهن زیبا»، «مرهم»، «بدل» و «مرز» سریال‌های رضانی را آغاز کردند که امتداد آن‌ها به نوروز، مخاطبان را راضی نگه داشت. هر سه سریال در نوع خود موفق بودند ضمن اینکه «ذهن زیبا» با بیشترین مخاطب، عنوان پرطرفدارترین سریال رضانی را از آن خود کرد. با پایان رمضان و امتداد نوروز، سریال‌های «پایتخت» و «قول مردونه» جایگزین سریال‌های رضانی نوروزی شدند و آنتن شبکه یک و سه مخاطبان را در شب‌های نوروز همراهی کرد. با این حال امسال تلویزیون با چند برنامه ترکیبی از جمله «با عرض معذرت»، «شوخی شوخی» و مسابقات تلویزیونی «دو نقطه» و «ماندن‌ها» توانست آنتن خود را با برنامه‌های غیر تکراری پر کند.

در این گزارش نظرات منتقدان درباره برخی سریال‌های نوروزی را می‌خوانید.

نوروز زمانی طلایی برای بخش سریال‌های تلویزیونی است. در کنار آن ویژه‌برنامه‌های نوروز به دلیل دورهمی خانواده‌ها در تعطیلات نوروزی طرفداران زیادی دارد. این بازه از این حیث طلایی است که فرصتی است تا سیمایا با برنامه‌های فاخر و محترم اعتماد مخاطبان را جذب کرده آنها را پای این قاب بنشانند. امسال اما نوروزی متفاوت پیش رو داشتیم. هم از حیث تلاقی آن با ماه مبارک رمضان و هم به دلیل همزمانی لحظات تحویل سال با لیالی قدر که در نوع خود اتفاقی است که شاید هر چند دهه رخ دهد. اما برای رسانه ملی این تلاقی تازگی نداشت و پیش از این هم شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی تلاقی ماه محرم و ماه رمضان را با تولید سریال‌ها و ویژه‌برنامه‌های در خور توجه سپری کرده بودند، با این تفاوت که امسال کار برنامه‌سازان دشوار شده، دقت بیشتری می‌طلبید. در حالی که شبکه‌های یک، دو، سه و نسیم با ویژه‌برنامه‌های سال نواز چند روز قبل به پیشواز تحویل سال رفته بودند، شبکه‌های چهار، تهران، افق،

راز ماندگاری و محبوبیت پایتخت

محمدعرفان صدیقیان

نقد

مهمترین نکته پیرامون سریال «پایتخت» رسیدن آن به فصل هفتم است. اتفاقی در خور توجه که برای نخستین بار یک مجموعه نمایشی ایرانی به آن دست یافته است و نباید به راحتی از کنار آن عبور کرد. اثری که بخش نخستین فصل آن در نوروز سال ۱۳۹۰ و در دورانی که تلویزیون هنوز مورد توجه میلیون‌ها بیننده بود رقم خورد و پس از آن و با تمام فراز و فرودها، ساخت فصول بعدی در دستور کار قرار گرفت. مجموعه‌ای که حالا با رسیدن به میانه بخش خود در فصل متاخر، می‌توان با نگاهی فارغ از حواشی شکل گرفته پیرامونی و با نگاهی واقع بینانه به نقد و بررسی آن پرداخت.

برای نگارنده عجیب است که چگونه در همان ایستگاه اول و با بخش نخستین قسمت، انبوهی از واکنش‌های منفی حتی از جانب برخی منتقدان سرشناس و با تجربه به این سریال وارد شد. آن هم در شرایطی که به نظر می‌رسد عوامل «پایتخت ۷» زمان زیادی را برای طراحی خطوط داستانی، شوخی نویسی‌ها و بریزه کاری‌ها هر شخصیت با توجه به تجربه فصول پیشین و نمودار حاصله از میزان موفقیت آن صرف کرده‌اند.

عجیب‌تر آن که نخ تسبیح این نقدهای منفی پر شمار، عموماً مر تبط با مسئله عدم شکل‌گیری قصه‌ای واحد بود، حال آنکه «پایتخت» در بسیاری از فصول خود بیش از آن که وامدار طراحی روایت مبتنی بر ساختار شاه پی‌رنگ باشد، به خرده قصه‌ها و وقایع متعددی وابسته است که در نقاطی عطف گونه، شکل‌گیری بحرانی فزاینده باعث گره خوردن سرنوشت شخصیت‌های پر شمار آن به یکدیگر می‌شود. ضمن آنکه برای ترسیم فضایی واقع بینانه از جایگاه این سریال در میان توده‌های مختلف مردم، نباید از شرایط این روزهای تلویزیون نیز غافل شد. شکل‌گیری فصول ابتدایی «پایتخت» محصول دورانی است که جامعه معاصر ایران در آن مقطع هیچ شباهتی به زمان کنونی نداشت و همچنان انتخاب اول بسیاری از مردم برای تماشای مجموعه‌های چند قسمتی، تولیدات شبکه‌های مختلف تلویزیونی بود. از سویی دیگر، متن اجتماع هشتاد و چند میلیونی کشور هنوز گرفتار آفت‌های حاصل از ایجاد فضایی چند قطبی نشده بود. بحرانی که مرجعیت فضای رسانه‌ای رسمی را به حاشیه رانده و در نهایت باعث شد تا جمعیتی بسیار دیگر میلی به تماشای برنامه‌های رسانه ملی نداشته باشند. در چنین شرایطی عزم اهالی «پایتخت» برای ادامه پیدا کردن این مجموعه ستودنی است و فصل هفتم در قیاس با فصل پیشین به لحاظ گیرایی خطوط داستانی، نوع کنش‌ها و رفتارهای پرسوناژها و خلق لحظه‌هایی با مزه و مفرح، پیشرفت قابل توجهی را نشان می‌دهد. محور اصلی و تکیه‌گاه داستانی «پایتخت ۷» همچنان در بستر خانواده نقی معمولی شکل گرفته و بسط پیدا کرده است. اما نویسنده و کارگردان در مقابل از جذابیت‌های سایر شخصیت‌های مرتبط با این خانواده نیز غافل نشده‌اند. پرسوناژهایی که راز ماندگاری و محبوبیت آن‌ها را باید در خلوص و سادگی نهفته در وجودیت‌شان جست‌وجو کرد و به همین دلیل خباثت‌های مقطعی آن‌ها نیز در نهایت برای مخاطب ناخوشایند جلوه نمی‌کند و هر یک راهی برای رهایی از آن پیدا می‌کنند.

نکته مهم دیگر در خصوص این مجموعه، چگونگی روبه‌رو شدن با خطوط قرمز تلویزیون است. مسئله‌ای که نوع به کارگیری و نمود آن در محصولات تولیدی صدا و سیما، فرسنگ‌ها با واقعیت‌های جاری در بطن زندگی اجتماعی مردم فاصله دارد و شاید بتوان این موضوع را مهم‌ترین عامل در کاهش بیننده‌های این رسانه قلمداد کرد.

آرش عباسی در مقام نویسنده، با ظرافت و هوشمندی بسیار و توسل به شوخی‌های خلاقانه و دارای معانی چندوجهی موفق شده تا به نسخه‌ای موفق برای عبور این خطوط قرمز غیر منعطف دست پیدا کند. بدین ترتیب فهم برخی از مسائل نیاز به تجربه زیسته شخصی داشته‌بودن ترتیب، نوعی درجه بندی سنی نیز در این خصوص اعمال شده است که احتمالاً این موضوع، به مذاق مدیران سازمان نیز خوش آمده است.

تماشای جمعی «پایتخت» به صورت هم‌زمان توسط میلیون‌ها بیننده یادآور جامعه‌ای است که با وجود بروز تشتت‌ها و پدیدار شدن عوامل بروز افتراق سلیقه و انتظار، همچنان قابلیت هم‌زیستی و پدیدار کردن نقاط اشتراک در بطن آن یافت می‌شود. موضوعی فرامتنی که به واسطه شکل‌گیری برندی معتبر در فضای رسانه‌ای رسمی پدید آمده و دست یافتن به آن اصلاح‌کار ساده‌ای نیست و نباید به سادگی از کنار این موضوع عبور کرد.

بر خوردهای سلیقه‌ای منتقدان با این مجموعه نمایشی و فراموشی محدودیت‌های متعدد جاری در مدیوم تولید و بخش آن، می‌تواند باعث دل‌سردی عوامل پرکار و موفق این اثر شود، تا حدی که در نهایت عطای ساخت فصول بعدی آن را به لقای بیخشنده و سرنوشتی تلخ‌گیر این برنده‌نمایشی بر طرفدار شود.

سریال تلویزیونی «پایتخت ۷»: از تاجیکستان تا مشهد با نقی معمولی

کنار بزرگان سینما از جمله ناصر تقوایی و مسعود کیمیایی شروع کرده و با شناختی که از لنز دارد، روانشناسی بازیگر برایش اهمیت دارد. از این روست که در برین او در همه سریال‌هایش مانند قلم نقاشی در حرکت و نوسان است و پلان‌هایی از جزئیات اشیا را شکار می‌کند. ویژگی اصلی هفت‌گانه «پایتخت» هویت مستقل هر یک از فصول در عین انسجام در قصه و شخصیت‌پردازی به همراه وحدت و پیوستگی آرگانیک روایت‌ها است. همه مجموعه‌ها بر محور خانواده معمولی و اتفاقاتی که برای آنها پیش می‌آید، می‌گردند و موقعیت‌هایی به شدت تلخ و خنده‌آور را متناسب با شرایط روز ترسیم می‌کنند. پایتخت ۷ با گذر از قسمت دهم به بعد خط داستانی مناسبی را طی کرده است و با ورود بهرام افشاری و خلق موقعیت‌های خنده‌دار می‌تواند به مخاطب‌ترین سریال نوروزی تبدیل شود. به مانند فصول قبل این فصل هم بیشتر مبتنی بر خرده داستان‌ها برای خلق موقعیت‌های طنز است و با قصه‌هایی که با سمعک نقی معمولی، گرفتن زمین و سرخوردگی پیشکسوت کشتی، همسر جدید ارسطو و کمپر تازه‌اش، پیدا کردن سنگ آتشفشان قیمتی و تلاش برای خروج این سنگ از کشور و فروش آن در کنار از دواج دوقلوها و گره خوردن، فضای تازه‌ای به سریال داده است که حال باید دید این فصل تا انتها چگونه پیش خواهد رفت.

فصل هفتم پایتخت، پس از چهار سال وقفه نوروز ۱۴۰۴ در ۲۷ قسمت راهی آنتن شده است. داستان این فصل با حساسیت نقی روی خواستگارهای دوقلوهایش سارا و نیکا آغاز می‌شود و قرار است پای نقی و خانواده‌اش به واسطه خواستگار تاجیکی دخترش به تاجیکستان باز شود و البته اوس موسی که استاد بنای مشهدی میزبان خانواده معمولی شده و یک سر قصه به مشهد هم می‌رسد. «پایتخت ۷» در شرایطی روی آنتن نوروزی رفته که تلویزیون با سریال موفق «ذهن زیبا» تقارن رمضان و نوروز را سپری کرده است. فصل هفتم این سریال با تغییراتی نظیر حضور سالار پسر بچه‌ای که به فرزند خواندگی پذیرفته شده، تغییر بهروز فرزند فهیمه و خواهرزاده نقی، از دواج ارسطو و تغییرات ظاهری بازیگران قرار است داستانش را همچون گذشته بر بستر انسجام خانواده ایرانی ترسیم کند. استقبال مخاطبان از مجموعه «پایتخت» سبب شده که محسن تنابنده که در این فصل علاوه بر بازیگری و نویسندگی، کارگردان هنری سریال هم هست در کنار سیروس مقدم فصول بعدی را با دقت و وسواس بیشتری بسازد و اکنون که این مجموعه به عدد مقدس هفت رسیده، خرسند است که پس از یک دهه همچنان نظر مخاطبان زیادی را جلب کرده است. سیروس مقدم درس خوانده رشته نقاشی، سینما را با سال‌ها دستکاری در

